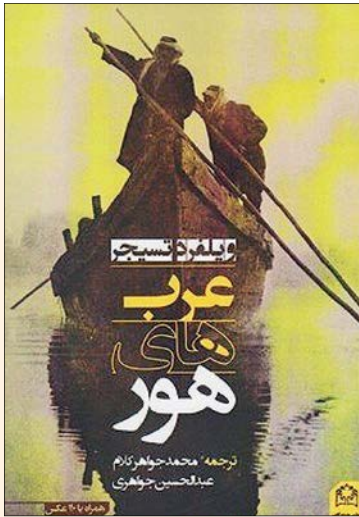


اهل نی، هور و آب



احسان سالمی

روزنامه‌نگار

اعراب عموماً برای اغلب آنها که شناخت کمی از این قوم بزرگ دارند، عموماً مردمی ساکن کویرها و مناطق خشک و بیابانی شناخته می‌شوند. اما در میان عرب‌ها هستند مردمانی که روزگار خود را در میان آب هورهای مناطق جنوبی ایران و عراق می‌گذرانند؛ مردمانی که مهم‌ترین وسیله حمل و نقل آنها، قایق و بلم است و خانه‌هایشان را روی آب می‌سازند! ویلفرد تسیجر انگلیسی‌یک‌ی از معدود

خارجی‌هایی است که سعی کرده با حضور در میان برخی اعراب ساکن این مناطق، با فرهنگ و آداب و رسوم آنها آشنا شود؛ فرهنگی که بخشی از آن منحصر به ساکنان این مناطق و برخی دیگر نیز خصلت مشترک همه اعراب ایران و عراق یعنی «مهمان‌نازی» است.

تسیجر که سفر به مناطق مختلف کشورهای مشرق‌زمین را تا سال‌های پایانی عمر خود ادامه داد، در حوالی سال ۱۹۵۲ میلادی مدت نسبتاً طولانی را در میان عرب‌های هورنشین جنوب ایران و عراق زندگی کرد و خاطرات خود را در قالب کتاب معروف «عرب‌های هور» نوشت. این اثر گذشته از آن که

حاوی خاطرات جالب راوی آن از سفر به مناطق مختلف هور و آب‌وهوای ویژه آن است، یک مرجع کامل مردم‌شناسانه از زندگی مردم این مناطق است. نویسنده که روحیه‌ای ماجراجو دارد سعی کرده تا ارتباطی نزدیک با مردم این مناطق برقرار کند و البته از تسلط نسبی خود بر علم پزشکی نیز استفاده کرده تا با تلاش برای حل برخی مشکلات پزشکی ساده مردمان این مناطق به نوعی ارتباط خود را با آنها مستحکم‌تر کند. کتاب عرب‌های هور همچنین شامل ۱۱۰ عکس کاملاً طبیعی و بکر از لحظه‌های ناب هور است که بخش‌هایی از زندگی مردم این مناطق را به تصویر کشیده است.

اطلاعات فوری

عنوان: عرب‌های هور

نویسنده: ویلفرد تسیجر

مترجم: محمد جواهرکلام

عبدالحسین جواهری

ناشر: نشر شادگان

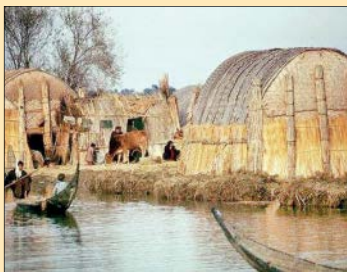
تعداد صفحات: ۲۵۹

قیمت: ۲۵ هزار تومان

پیش‌بینی زمان مطالعه: ۷ تا ۹ روز

عرب‌های هور چگونه برای خود خانه می‌سازند؟

خانه‌سازی بانی!



طراحی و شیوه جالب توجه ساخت خانه در مناطق هورنشین هم یکی دیگر از نکات مهمی است که راوی عرب‌های هور به آن اشاره کرده است: «خانه صحن روی جزیره‌ای ساخته شده بود. من فکر می‌کردم باید یا جزیره‌ای طبیعی باشد یا بقایای تپه‌ای باستانی، اما وقتی ده را ترک می‌کردیم، متوجه شدم که از طبقات یک در میان خاک و نی کوبیده ساخته شده. در حقیقت شکل استادانه همان سکوی نیینی بود که خانه زائر

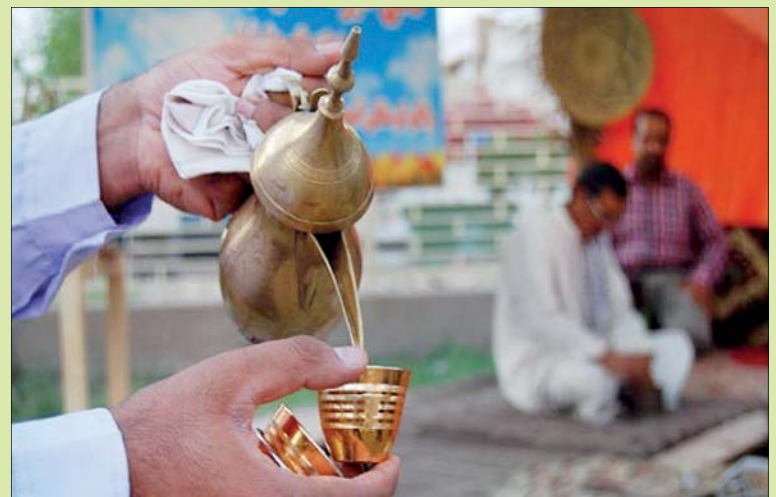
[یکی از کسانی که تسیجر در این سفر مهمان او شده است] در قیاب روی آن ساخته شده بود. شیوه ساخت این سکوها چنین بود که نخست میان آب محوطه‌ای کافی برای خانه در نظر می‌گرفتند و دیواری از نی به ارتفاع شش متر گرد آن می‌کشیدند؛ بعد محوطه را از دسته‌های نی پر می‌کردند تا از سطح آب بیرون بزند. آنگاه باز هم نی می‌گذاشتند و می‌کوبیدند تا محکم شود. وقتی پی‌سکو به اندازه کافی محکم می‌شد، ساختن خانه را آغاز می‌کردند. دسته‌های نی را در سکو فرو می‌بردند و آنها را به شکل قوس می‌بستند. اگر آب کف خانه را می‌گرفت یا قسمت زیرین نشست می‌کرد، کافی بود صاحب‌خانه چند دسته نی تازه به پی‌سکو اضافه کند.»

قهوه نوشیدنی محبوب

عرب‌های هور

آداب خوردن قهوه

تسیجر در بخش‌های مختلف کتاب به آداب خاص مردمان هور اشاره کرده و یکی از این عادت‌های جالب شیوه درست کردن و خوردن قهوه است: «کنار اجاق، یک دوچین قهوه‌جوش دیده می‌شد که بزرگ‌ترین‌شان نیم‌متر طول داشت و به شیوه اعراب، برای تخلیه تغاله قهوه به کار می‌رفت. پیرمردی در لباس سفید سرگرم آماده کردن قهوه بود، من و او تنها کسانی بودیم که عبا نداشتیم. پیرمرد بعد از برشته شدن دانه‌های قهوه، آنها را در هاون برنجی کوچکی ریخت و با حرکات یکنواخت دست آرد کرد. آنگاه در فنجان‌ها کمی قهوه ریخت و یکی را دست فالج [شیخ قبیله] داد. فالج از او خواست که اول به من بدهد. من نپذیرفتم. عاقبت با اصرار فالج، فنجان قهوه را گرفتم و سر کشیدم. از آنجا که از آداب اعراب در خوردن قهوه اطلاعاتی داشتم، سه فنجان قهوه خوردم، بعد فنجان را تکان دادم، یعنی کافی است. پیرمرد قهوه‌چی آرام دور مُضیف [مهمان‌خانه قبیله که نقش یک مرکز سیاسی، اجتماعی، قضایی و دینی را در زندگی عرب‌های هور بازی می‌کند] می‌گشت و برحسب اهمیت حاضران، برای آنها قهوه می‌ریخت.»



سختی‌های زندگی در کنار گاومیش‌ها

گاومیش‌های قیرخور!



گاومیش‌ها بخش مهمی از زندگی و اقتصاد ساکنان هور را تشکیل می‌دهند؛ موجوداتی که گاهی موجب مرگ و ضرر مردم مناطق این منطقه می‌شوند و گاهی نیز با استفاده از شیر و گوشت آنها راهی خوب برای درآمدزایی در این مناطق ایجاد می‌شود. راوی کتاب در بخش‌های مختلفی از سختی‌های زندگی در کنار گاومیش‌ها نوشته است: «دیدم که شب‌ها بلم‌ها را با طناب در فاصله صدمتری ساحل درون برکه‌هایی می‌بندند. یونس گفت این باعث

می‌شود که گاومیش‌ها نتوانند به قایق‌ها برسند و قیرشان را بخورند. گاومیش‌های بعضی از دهات عادت دارند قیر بلم‌ها را بخورند. معدان [لفظی که برای اشاره به ساکنان هور در میان برخی اعراب متداول است] وقتی به منطقه ناآشنایی برسند، اول درباره گاومیش‌های آنها می‌پرسند که آیا عادت به خوردن قیر دارند یا نه! نیز به من می‌گفتند که قیر را از ناحیه هیت [شهری در عراق] می‌آورند که از نواحی مجاور فرات و نزدیک بغداد است. در جنوب عراق چوب مناسب بلم پیدا نمی‌شود. بلم‌سازها برای دنده‌های بلم چوب درخت توت کردستان را ترجیح می‌دهند. الوارهای طولی بلم معمولاً از خارج وارد می‌شود...»